



سومین دوره مسابقات داوری تجاری

کد اختصاصی گروه: **TK210**

دادخواست داوری خواهان

خواننده:	خواهان:
شرکت قزاقستانی هوگو راینی استیل ((HRS))	شرکت فولادکو (سهامی خاص)، ثبت شده در ایران

۲۰ بهمن ۱۳۹۶

به نام خدا

جناب آقای دکتر محسن محبی

دبیرکل محترم مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران

باسلام

احتراماً، به وکالت از شرکت فولادکو (سهامی خاص) به پیوست، دادخواست داوری شرکت مزبور، تقدیم

حضور می گردد.

با تجدید احترام

علی محمد سوارانی

وکیل دادگستری

۱۳۹۶/۱۱/۲۰

شرکت فولادکو (سهامی خاص)، ثبت شده در ایران	خواهان
شرکت قزاقستانی هوگو رابینی استیل ((HRS))	خوانده
<p>قرارداد خرید ۱۰,۰۰۰ تن فولاد با ضخامت ۳٪ از خواهان توسط خوانده پرداخت ۲۰٪ مبلغ قرارداد توسط خوانده افتتاح حساب توسط خواهان در دبی به درخواست خوانده ناتوانی خوانده در تسویه مبلغ قرارداد</p>	دلایل ادعا
<p>پیش فاکتور (Performa Invoice) های ارسالی از سوی خواهان مکاتبات خوانده، مبنی بر اصلاح ضخامت فولاد و اعلام پذیرش پیش فاکتور دوم مکاتبات طرفین در خصوص نحوه تسویه حساب باقیمانده مبلغ قرارداد پیگیری های مکتوب خواهان در خصوص افتتاح حساب در دبی و مطالبه مابقی مبلغ قرارداد اعلام کتبی فروش فولاد به شخص ثالث و تحمل یک میلیون یورو خسارت بدلیل افت قیمت فولاد</p>	ضمائم و مستندات دادخواست
<p>شرط داوری مندرج در مکاتبات خواهان: «پیشنهاد ما این است که اختلافات احتمالی ناشی از این قرارداد، توسط هیئت داوری مرکب از سه داور در مرکز داوری اتاق ایران حل و فصل گردد.»</p> <p>شرط داوری مندرج در مکاتبات خوانده: «در صورت وقوع اختلاف میان دو شرکت، پیشنهاد ما این است که این اختلاف در یک سازمان داوری بین المللی حل و فصل گردد زیرا شرکت ما بر این عقیده است که مراجعه به داوری از مراجعه به دادگاه خیلی بهتر است.»</p>	شرط داوری
۳ نفر	تعداد داوران

جدول شماره ۱: ((اجراء مفاد ماده ۶ آئین نامه داوری مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران))

((فهرست مطالب))

شرح پرونده	۱
بخش اول: نکات شکلی لایحه	۴
الف) صلاحیت مرکز داوری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران «ACIC»	۴
بررسی وجود موافقت نامه داوری	۴
ب) قانون حاکم بر قرارداد	۱۰
ج) دستور موقت	۱۵
د) صلاحیت سرداور	۱۶
د. ۱) تبیین استقلال و بی طرفی	۱۶
د. ۲) اعتراض خواننده به صلاحیت سرداور	۱۷
د. ۳) اعتراض خواننده به صلاحیت داور اختصاصی	۱۸
بخش دوم: نکات ماهوی پرونده	۱۹
و) وضعیت عقد بیع	۱۹
ح) امکان مطالبه مابه التفاوت فروش جایگزین و معامله اولیه	۲۲
بخش سوم: خواسته	۲۷
فهرست منابع	۲۷
منابع فارسی:	۲۸
منابع انگلیسی:	۲۹
فهرست آراء دیوان های داوری:	۳۰
فهرست آراء صادره از دادگاه ها:	۳۱
سایت های اینترنتی:	۳۱

((فهرست علائم اختصاری))

علامت اختصاری	عنوان	ردیف
ACIC	مرکز داوری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی ایران	۱
HRS	شرکت هوگو رایینی استیل	۲
قانون نمونه داوری	قانون نمونه داوری تجاری بین المللی آنسیترال مصوب ۱۹۸۵ با اصلاحات مصوب ۲۰۰۶	۳
ق.آ.د.م.	قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۰۹/۲۱	۴

شرح پرونده

۱. احتراماً، خواهان، شرکت ایرانی فولادکو(سهامی خاص)، به موجب مکاتبات ایمیلی دریافتی از خواننده، شرکت قزاقستانی هوگو راینی استیل (که از این پس به صورت مخفف «HRS» نامیده می شود) مبنی بر درخواست دریافت پیش فاکتور ۱۰ هزار تن فولاد، در تاریخ ۱۳۹۶/۰۱/۲۰ نسبت به ارسال پیش فاکتور مزبور با قید تغییر مجاز ضخامت ۵٪ محصول اقدام نمود و در ذیل این ایمیل، پیشنهاد کرد که «اختلافات احتمالی ناشی از این قرارداد، توسط یک هیئت داوری مرکب از ۳ داور در مرکز داوری اتاق ایران^۱ حل و فصل گردد» پیش از این ایمیل، توافقاتی از این طریق میان طرفین شکل گرفته بود که به موجب آن حداقل زمان لازم برای تولید و تحویل کالا توسط فولادکو، ۳ ماه از تاریخ درخواست سفارش و واریز هم زمان ۲۰٪ از مبلغ پیش فاکتور توسط خریدار به عنوان پیش پرداخت مقرر گردید. همچنین HRS متعهد شد مابقی مبلغ را در زمان حمل کالا پرداخت نماید.^۲ پس از ایراد HRS نسبت به تغییر مجاز ضخامت فولاد، خواهان در تاریخ ۱۳۹۶/۰۱/۲۳ ایمیلی ارسال نمود که استثنائاً تغییر مجاز ضخامت ۳٪ را برای فولاد ارسالی و برای یک بار پذیرفت و به پیوست آن پیش فاکتور جدید را با قید تغییر مجاز ضخامت ۳٪ ارسال نمود. HRS در تاریخ ۱۳۹۶/۰۱/۲۸ ضمن اعلام قبول مندرجات پیش فاکتور و واریز مبلغ ۲۰٪ پیش پرداخت از طریق صرافی، پیشنهاد نمود که «اختلافات احتمالی آتی در یک سازمان داوری بین المللی حل و فصل گردد، زیرا شرکت ما بر این عقیده است که مراجعه به داوری از مراجعه به دادگاه خیلی بهتر است».

^۱ از این پس به صورت مخفف «ACIC» خوانده می شود.

^۲ یعنی بلافاصله از زمان اعلام فولادکار مبنی بر تهیه کالا و آمادگی برای حمل آن به مقصد به روش CFR, Incoterms, 2010.

۲. سپس مکاتباتی در خصوص تغییرات نرخ ارز و مشکلات احتمالی خود در تسویه کامل قرارداد با موکل صورت داد و طی آن تأکید کرد که تمامی تلاش خود را برای پرداخت ثمن معامله خواهد نمود.^۳ که در همان تاریخ در پاسخ به این ایمیل، فولادکو هشدار داد که با توجه به اینکه هزینه کامل تولید ۱۰ هزار تن فولاد را در زمان سفارش به تأمین کننده پرداخت کرده است لذا عدم تسویه کامل HRS با فولادکو، این شرکت را در شرایط سخت مالی قرار خواهد داد. پس از آن، فولادکو در تاریخ ۱۳۹۶/۰۴/۲۰ طی ایمیلی به HRS اعلام نمود که کالا آماده حمل می باشد و از آن شرکت خواست تا وضعیت پرداخت مابقی مبلغ را به وی اعلام نماید. لیکن پاسخی دریافت نکرد و سپس به موجب دو نامه دیگر در مورخه ۱۳۹۶۳/۰۴/۲۴ و ۱۳۹۶/۰۴/۲۷، موضوع را پیگیری نمود. ۱۰ روز پس از تاریخ اعلام فولادکو و علی‌رغم ۳ نوبت پیگیری صورت گرفته از سوی آن شرکت، در تاریخ ۱۳۹۶/۰۴/۳۰، HRS اعلام نمود که در پرداخت از طریق یورو موفق نبوده و در حال رایزنی جهت پرداخت از طریق درهم امارات می باشد؛ لذا از فولادکو درخواست نمود تا نسبت به افتتاح حساب بانکی در دوبی و اعلام به آن شرکت، جهت پرداخت معادل درهم مبلغ باقیمانده اقدام نماید.

۳. فولادکو در فردای همان روز، ضمن انتقاد از HRS به دلیل اینکه این شرکت را زودتر از وضعیت معامله مطلع نکرده و باعث شده است که در معرض ریسک غیرقابل قبولی قرارگیرد، اعلام نمود به دلیل تمایل به برقراری روابط تجاری بلند مدت و به منظور کمک برای حل مشکل در دوبی سریعاً افتتاح حساب خواهد نمود.

۴. پس از گذشت حدود ۲ ماه از تاریخ افتتاح حساب در دوبی و عدم دریافت هیچ پاسخی از سوی HRS، موکل اینجانب بدلیل افت قیمت فولاد در بازار و متحمل شدن هزینه های انبارداری و به منظور

۳. نامه مورخ ۱۰ می ۲۰۱۷، مصادف با ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۶.

جلوگیری از خسارات بیشتر ناشی از ادامه افت قیمت فولاد، نسبت به فروش کالا به یک خریدار ثالث به قیمت هر تن ۹۰۰ یورو اقدام نمود (یعنی ۱۰۰ یورو ارزانتر از قیمت فروش به HRS) که در مجموع فروش ۱۰ هزار تن فولاد، مبلغ یک میلیون یورو متحمل خسارت ناشی از افت قیمت گردید.

۵. به همین دلیل در تاریخ ۱۳۹۶/۰۷/۰۳ به موجب ایمیلی، ضمن انتقاد شدید از بدعهدی HRS در ایفاء تعهدات قراردادی، آن شرکت را از اقدام خود مطلع نمود و اعلام کرد که «با توجه به اینکه دیگر دلیلی برای انتظار و ادامه روابط تجاری وجود ندارد، شرکت فولادکو در اسرع وقت از طریق حقوقی خسارات خود را پیگیری خواهد نمود».

۶. با توجه به مراتب فوق، در ادامه، توجه دبیرکل محترم ACIC و اعضاء محترم دیوان داوری را به نظرات خواهان در خصوص مباحث مندرج در قرارنامه داوری مورخ ۱۳۹۶/۰۹/۰۸ و همینطور، اظهار نظر در خصوص صلاحیت سرداور - به موجب تصریح آن دیوان در این خصوص - جلب می نماید که به جهت حسن ارائه مطالب تقدیمی در دادخواست، موارد در دو بخش شکلی و ماهوی تقسیم بندی شده اند:

بخش اول: نکات شکلی لایحه

الف) صلاحیت مرکز داوری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی ایران «ACIC»

بررسی وجود موافقت نامه داوری

الف. ۱) همانطور که مستحضرید مطابق بند (خ) ماده ۱ قواعد و آئین داوری ACIC^۴ و بند ۱ ماده ۷ قانون نمونه داوری تجاری بین المللی آنسیترال مصوب ۱۹۸۵ با اصلاحات مصوب ۲۰۰۶^۵ که از این پس «قانون نمونه داوری» نامیده می شود، پیشنهاد مندرج در ذیل ایمیل مورخ ۱۳۹۶/۰۱/۲۰ به عنوان شرط داوری در ضمن یک قرارداد بیع تلقی می گردد^۶. مضافاً اینکه به موجب بند ۹ ماده ۹ قواعد و آئین داوری ACIC^۷ و بند ۱ ماده ۱۶ قانون نمونه داوری^۸، موافقتنامه داوری، یک موافقتنامه مستقل از قرارداد اصلی است، حتی اگر به صورت شرط ضمن عقد باشد. لذا فارغ از موضوع تحقق عقد:

^۴. مفاد این ماده بدین شرح است: "موافقت نامه داوری، توافقی است بین طرفین که به موجب آن حل و فصل تمام یا بعضی اختلافاتی که در مورد یک یا چند رابطه حقوقی معین اعم از قراردادی یا غیر قراردادی به وجود آمده یا ممکن است در آینده پیش آید، به مرکز داوری ارجاع شود. موافقتنامه داوری ممکن است به صورت شرط داوری در ضمن قرارداد و یا به صورت قرارداد جداگانه باشد."

^۵ UNCITRAL Model Law on International Commercial Arbitration 1985 With amendments as adopted in 2006.

Article 7. Definition and form of arbitration agreement

(As adopted by the Commission at its thirty-ninth session, in 2006)

(1) "Arbitration agreement" is an agreement by the parties to submit to arbitration all or certain disputes which have arisen or which may arise between them in respect of a defined legal relationship, whether contractual or not. An arbitration agreement may be in the form of an arbitration clause in a contract or in the form of a separate agreement.

^۶. لازم به ذکر است که در قسمت نکات ماهوی لایحه در خصوص انعقاد قرارداد بیع به موجب ایمیل های ارسالی فی مابین طرفین به تفصیل شرح داده خواهد شد.

^۷. مفاد این ماده بدین شرح است: "ث) ایراد به وجود یا اعتبار قرارداد اصلی رافع صلاحیت «داور» برای رسیدگی به چنین ایرادی نیست مشروط بر اینکه «داور» اعتبار موافقتنامه داوری را احراز کند. حتی اگر قرارداد اصلی وجود نداشته و یا باطل باشد، «داور» می تواند درباره حقوق طرفین رسیدگی کرده و نسبت به ادعاهای ایرادات آنها اتخاذ تصمیم کند و به هر حال شرط داوری، مستقل از قرارداد اصلی است."

^۸. CHAPTER IV. JURISDICTION OF ARBITRAL TRIBUNAL

Article 16. Competence of arbitral tribunal to rule on its jurisdiction

(1) The arbitral tribunal may rule on its own jurisdiction, including any objections with respect to the existence or validity of the arbitration agreement. For that purpose, an arbitration clause which forms part of a contract shall be treated as an agreement→

الف. ۲) اولاً، در خصوص اینکه خواننده دعوا به صلاحیت مرکز داوری اعتراض نموده، در حالی که هیچ‌گاه این تعرض خود را مدلل ننموده است می‌توان معروض داشت، چنانچه ایشان استدلالی را در خصوص عدم صلاحیت هیئت داوران مطرح می‌نمود، سخن گفتن در باب مخالفت با آن راحت‌تر بود. اما اکنون که به یک خط بسنده نموده و صرفاً اعلام داشته است که مرکز داوری صلاحیت ندارد، می‌بایست موضوع را واکاوی کرده و سپس حقیقت امر را به نظاره نشست. در باب صلاحیت، توجه به مذاکرات طرفین، اسناد مرتبط با آن، و فرض وجود حسن نیت در رفتار آنها راه‌گشاست. شرکت فولادکو در ایمیل مورخ ۱۳۹۶/۰۱/۲۰ پیش فاکتور را صادر و اعلام می‌دارد که شرایط فروش بدین کیفیت است: ۱: امکان وجود ۰.۵٪ میزان تغییر مجاز ضخامت و ۲: حل و فصل اختلافات احتمالی در **ACIC**. بدیهی است که فولادکو حل و فصل اختلافات در مرکز داوری را وارد مذاکره قراردادی نموده است و پیش‌بینی می‌کند چنانچه طرف مقابل نسبت به این امور مخالفتی دارد آن را خواهد شنید و گفت و گوی طرفینی ادامه خواهد داشت. بر همین اساس خواننده دعوا آنچه را که مورد ایراد قرار می‌دهد صرفاً ۰.۵٪ تغییر مجاز ضخامت کالا است. رفتار با حسن نیت نشانگر این است که به صورت ضمنی حل و فصل اختلافات در مرکز داوری اتاق بازرگانی پذیرفته شده است. آنچنان که در مکاتبات بعدی روشن است، طرفین در خصوص میزان تغییر مجاز ضخامت کالا مذاکرات خود را ادامه داده و در نهایت به نقطه مشترکی می‌رسند. چنانچه خواننده دعوی در خصوص عدم صلاحیت مرکز داوری در حل و فصل اختلاف اعتراضی می‌داشت، می‌توانست این موضوع را همچون میزان تغییر مجاز ضخامت موضوع قرارداد وارد مذاکرات طرفینی نموده تا توافق بر سر آن حاصل شود. سکوت طرف مقابل بدون تردید به معنی پذیرش این ساز و کار حل و فصل اختلافات است. همانگونه که مستحضرید بنا بر

→independent of the other terms of the contract. A decision by the arbitral tribunal that the contract is null and void shall not entail ipso jure the invalidity of the arbitration clause.

یک اصل پذیرفته شده بین المللی، اگرچه سکوت محض یا سکوت مجرد، فی نفسه به معنای رضایت نیست^۹، اما در پاره ای از موارد، سکوت، همراه با قرائن و آماراتی است که حکایت از رضایت طرف مقابل دارد. به عبارت دیگر در مواردی که از شخص انتظار می رود اراده خود را به نوعی خاص بیان نماید اما در انجام این امر امتناع ورزد این خودداری و امتناع، سکوت محض به حساب نیامده بلکه بیان ضمنی اراده تلقی می شود^{۱۰}. در قضیه «نشنال یونین فرست اینشورنس علیه ال ریچ»^{۱۱}، دیوان عالی آمریکا اینگونه اعلام داشته است که سکوت، زمانی که پذیرنده ایجاب، به گونه ای رفتار می کند که ایجاب کننده از سکوتش برداشت حاکی از رضایت نماید، از آن تعبیر به رضایت می شود.^{۱۲} مضافا اینکه اگر حل و فصل اختلاف در این قرارداد از روش دیگری پیشنهاد می شد چه بسا شرکت فولادکو از ورود به این قرارداد امتناع ورزیده و چنین تعهداتی را نمی پذیرفت. در تفسیر قرارداد و برای رسیدن به اراده واقعی طرفین باید مذاکرات ایشان و آنچه که داخل در مذاکرات طرفین شده است را ملاحظه کرد و بر اساس آن توافقی را که صورت گرفته است، مبنا قرار داد. بنابراین سکوت HRS در ایمیل مورخ ۱۳۹۶/۰۱/۲۱ به منزله قبول شرط داوری فولادکو بوده و موافقت نامه داوری مبنی بر ارجاع اختلاف به ACIC مطابق ماده ۷ قانون نمونه داوری و بند (خ) ماده ۱ قواعد و آئین داوری ACIC میان طرفین وجود دارد و رفتار خواننده دعوا و سپردن حل و فصل اختلافات به مرکز داوری اتاق بازرگانی بین المللی پاریس^{۱۳}، انجام عملی است که هرگز بر آن طرفین نه تنها توافقی نداشته، بلکه حتی مذاکره هم ننموده اند.

^۹ ماده ۲۴۹ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۰۷ و ماده ۱۸ کنوانسیون بیع بین المللی کالا مصوب ۱۹۸۰.

^{۱۰} Silence as an acceptance in formation of contracts. Harvard Law Review. Vol. 33 No4 Feb 1920.

سید مرتضی قاسم زاده، "نقش سکوت در بیان اراده"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۱، بهار ۱۳۸۰.

^{۱۱} National Union First Insurance Co Vs. Ehrlich.

^{۱۲} National Union First Insurance Co. Vs. Ehrlich 122 Misc 682 (N. Y. APP. DV 1924).

^{۱۳} International Chamber of Commerce (ICC).

الف. ۳) ثانیاً، همانطور که از مدارک موجود در پرونده و ایمیل های ارسالی طرفین نمایان است، شرکت فولادکو، ساز و کار حل اختلاف و مرجع رسیدگی به اختلاف احتمالی را به موجب ایمیل مورخ ۱۳۹۶/۰۱/۲۰ به HRS پیشنهاد نموده و همانطور که از اولین ایمیل ارسالی هم پیداست، این موضوع آنچنان برای خواهان، حائز اهمیت بوده که در ابتدا به ساکن و در اولین ایمیل خود آن را به طرف مقابل اعلام داشته است. همانطور که متذکر گردید، این مرجع از چنان اهمیتی برای موکل بنده برخوردار بوده که اگر طرف مقابل با صلاحیت ACIC مخالفتی داشت، مسلماً تا تعیین تکلیف در خصوص مرجع حل اختلاف، از طرف موکل اینجانب عقدی صورت نمی پذیرفت - و از آنجائیکه فضای حاکم میان طرفین به نحوی بوده که این موضوع به ذهن متبادر می شده است که خواننده نیز مخالفتی با این موضوع نداشته است - لذا طرفین به سمت و سوی ادامه روابط تجاری خود پیش رفتند. اگر این قرارداد برای خواننده از چنین ارزش بالایی برخوردار بوده، خالی از منطقی است که بدون توجه و کسب اطلاع از مرجع تعیین شده بخواهد نسبت به شروع قرارداد اقدام نماید. این در حالیست که طی ایمیلی که در تاریخ ۱۳۹۶/۰۱/۲۷ از طرف خواننده ارسال شده، نه تنها مخالفتی با مرجع پیشنهادی صورت نگرفته، بلکه صرفاً با قید سازمان بین المللی بودن مرجع حل اختلاف، نیز مهر تأییدی بر آن زده است.

الف. ۴) ثالثاً، حتی اگر فرض سکوت را در ایمیل مورخه ۱۳۹۶/۰۱/۲۰ در نظر بگیریم، HRS در ایمیل مورخ ۱۳۹۶/۰۱/۲۸ ضمن قبول پیش فاکتور دوم و اعلام واریزی ۲۰٪ مبلغ قرارداد به عنوان پیش پرداخت، در ذیل نامه به عنوان شرط داوری خود اعلام نموده است که «پیشنهاد ما این است که اختلافات احتمالی آتی در یک سازمان داوری بین المللی حل و فصل گردد، زیرا شرکت ما بر این عقیده است که مراجعه به داوری از مراجعه به دادگاه خیلی بهتر است.» همانطور که واضح است، در بخش دوم این شرط داوری از لفظ زیرا استفاده نموده و آنچه از منطوق این شرط بر می آید HRS قصد داشته در بخش دوم شرط داوری خود، علت اشاره به «یک سازمان داوری بین المللی» را ذکر کرده و آن ترجیح این شرکت به حل و فصل اختلاف از مسیر داوری است تا دادگاه. لذا نتیجه این است که اشاره HRS به «یک سازمان

داوری بین‌المللی» در شرط داوری خود، دلیل بر این نیست که **HRS** صلاحیت **ACIC** را به عنوان یک سازمان داوری بین‌المللی قبول ندارد و بطور ضمنی، شرط فولادکو را پذیرفته و لذا موافقت نامه داوری مبنی بر ارجاع اختلاف به **ACIC** مطابق ماده ۷ قانون نمونه داوری و بند (خ) ماده ۱ قواعد و آئین داوری **ACIC** میان طرفین، موجود و معتبر است.

الف. ۴) رابعاً، با فرض بر نادیده گرفتن بخش دوم شرط داوری **HRS** در پاسخ به اعتراض خواننده محترم مبنی بر اینکه **ACIC** یک سازمان بین‌المللی داوری نیست، معروض می‌دارد:

نخست اینکه:

الف. ۴. ۱) نه تنها **ACIC** به موجب «قانون اساسنامه مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران» (م. صوب ۱۳۸۰/۱۱/۱۴ مجلس شورای اسلامی، دارای اساسنامه می‌باشد، بلکه نسبت به انتشار «قواعد و آئین داوری»، «آئین نامه هزینه‌های داوری» و «آئین نامه تشکیلات مرکز» اقدام نموده است؛ مضافاً اینکه **ACIC** دارای یک مقرّ داوری، پرسنل و کارمندان اداری و داوران عضو می‌باشد که همه اینها دلیل بر «سازمانی» بودن این مرکز داوری است.

دوم اینکه:

به دلایل ذیل **ACIC** یک سازمان داوری تجاری بین‌المللی است:

الف. ۴. ۲) بموجب بند ح ماده ۵ «قانون تشکیل اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی ایران» مصوب اسفند ۱۳۶۹ (اصلاحی آذر ۱۳۷۱) بر داوری داخلی و خارجی این مرکز تأکید می‌نماید.

الف. ۴. ۳) مطابق ماده ۱ آئین نامه تشکیلات **ACIC** نیز، موضوع فعالیت این مرکز، حل و فصل اختلافات تجاری، اعم از داخلی و بین‌المللی اعلام شده است.

الف. ۴. ۴) در ماده ۱ «قواعد و آئین داوری **ACIC**» برای هر دو داوری داخلی و بین‌المللی تعاریف مجزا ارائه داده است.

الف. ۴. ۵) **ACIC** در «آئین نامه هزینه های داوری» خود به کرات، در خصوص هزینه

های اداری سازمان و حق الزحمه داور، میان داوری داخلی و بین المللی تفکیک قائل شده است.

الف. ۴. ۶) مواد ۲ و ۱۰ «قانون اساسنامه مرکز داوری اتاق ایران» حوزه صلاحیت **ACIC**

را داوری در دو حوزه داخلی و خارجی دانسته و برای هر حوزه، **ACIC** را به تبعیت از مقررات و آئین رسیدگی داوری خاصی مکلف کرده است.

الف. ۴. ۷) حتی اگر **HRS** تمامی دلایل فوق را مبنی بر بین المللی بودن این سازمان

داوری (یعنی **ACIC**) نپذیرد، باید عرض کرد که داوری پرونده حاضر، نه تنها از نگاه «قواعد و آئین

داوری **ACIC**» یک داوری تجاری بین المللی است بلکه به موجب بند ۳ ماده ۱ «قانون نمونه

داوری» (که معتبرترین سند در خصوص داوری تجاری بین المللی به حساب می آید و قوانین

داوری تجاری بین المللی ۷۸ کشور بر اساس این قانون نمونه در ۱۰۹ حوزه حاکمیتی به تصویب

رسیده است^{۱۴}) نیز داوری در این اختلاف، از نوع داوری تجاری بین المللی به حساب می آید.

الف. ۵) لذا با توجه به مراتب فوق، تلقی **HRS** از تعریف سازمان داوری بین المللی، نادرست بوده و

با توجه به اینکه شرط ایشان مبنی بر یک سازمان داوری بین المللی یک تعریف عام می باشد و مرکز **ACIC**

یک مصداق مسلّم از سازمان های داوری بین المللی می باشد و در شرط داوری فولادکو، صراحتاً به آن اشاره

شده است، لذا باز هم موافقتنامه داوری، مبنی بر ارجاع اختلاف به **ACIC** مطابق ماده ۷ قانون نمونه داوری

و بند (خ) ماده ۱ قواعد و آئین داوری **ACIC** میان طرفین، موجود و معتبر می باشد.

الف. ۶) در نتیجه با توجه به تمامی نکات مزبور در بند های الف. ۱ تا الف. ۵ **ACIC** سازمان داوری

بین المللی صالح به رسیدگی به پرونده حاضر می باشد.

^{۱۴}. بهمن ۱۳۹۶، http://www.uncitral.org/uncitral/en/uncitral_texts/arbitration/1985Model_arbitration_status.html

ب) قانون حاکم بر قرارداد

همانگونه که مستحضرید، قرارداد، مخلوق اراده طرفین است و منطق قراردادی نیز ایجاب می نماید که طرفین بتوانند آزادانه قانون حاکم بر قرارداد خود را انتخاب نمایند که از آن به اصل حاکمیت اراده یاد می شود. در دعوی پیش رو، طرفین در ایمیل های خود نسبت به قانون حاکم بر مبادلات فی مابین، هیچ تصریحی نداشته و در خصوص آن مذاکراتی میان طرفین موجود نمی باشد. لذا توجه اعضاء محترم دیوان داوری را به نکات ذیل معطوف می دارد:

ب. ۱) با توجه به اینکه مطابق نکات ذکر شده در قسمت قبل، استدلال شد که موافقت نامه داوری میان طرفین، مبنی بر انتخاب ACIC به عنوان مرجع رسیدگی، موجود، معتبر و محرز می باشد، لذا انتخاب ACIC از سوی طرفین، نشان از آن دارد که طرفین به طور ضمنی کشور ایران را به عنوان مقر انتخاب کرده و پذیرفته اند که قرارداد و دعوی ناشی از آن، تابع قوانین و مقررات مقر داوری باشد.

ب. ۲) در تشخیص قانون حاکم در قراردادهای بین المللی استانداردها و معیارهای متعددی وجود دارد که داور می تواند با بررسی آن ها قانونی را که بیشترین ارتباط را با قرارداد و روابط تجاری طرفین داشته به عنوان قانون حاکم انتخاب نماید که مهم ترین آن ها عبارتند از:

- قانون ماهوی مقر داوری؛

- قانون محل انعقاد عقد؛

- قانون محل اجرای تعهد اصلی قرارداد.

لذا استانداردها و معیارهای فوق الذکر، ما را به سمت حاکمیت قانون ایران هدایت نموده که به

شرح ذیل به استحضار می رساند:

ب. ۲. ۱) قانون مقر داوری: همانطور که پیشتر بیان شد از آنجایی که **ACIC**، صالح بر حل و فصل اختلافات است، لذا می بایست تا حد امکان به سمت قانون مقر این سازمان، یعنی قانون ماهوی کشور ایران حرکت نماییم.

ب. ۲. ۲) قانون محل انعقاد عقد: به منظور تعیین مکان انعقاد عقد می بایست زمان انعقاد عقد نیز مشخص گردد. خواهان در مذاکرات خود اعلام میدارد لحظه اجرای تعهدات قراردادی با تحقق دو امر واقع خواهد شد. اول: درخواست سفارش کالا توسط خریدار، و دوم: واریز پیش پرداخت. نتیجه اینکه اگر ثبت سفارشی صورت پذیرد اما پیش پرداختی واریز نگردد خواهان تعهدی نخواهد داشت و بیعی محقق نمی شود. اگر زمان وقوع قرارداد را زمان واریز پیش پرداخت بدانیم که خواهان آن را وصول نموده است (که منطقی بعد از ثبت سفارش می باشد) می توان نتیجه گرفت، محل وقوع عقد در ایران است (یعنی محل وصول پیش پرداخت). جدا از نظریات متعددی که در باب زمان و مکان انعقاد عقد میان حقوقدانان مشهور است، باید عرض کرد که تردیدی نیست شروط خواهان جهت انجام بیع، ما را به این نقطه می رساند که در لحظه دریافت پیش پرداخت، تعهدات طرفین، آغاز و به بیانی دیگر، عقد بیع منعقد شده است. از آنجایی که دریافت پیش پرداخت در ایران صورت گرفته لذا می توان بی تردید مکان انعقاد عقد را نیز ایران دانست.

ب. ۲. ۳) قانون محل اجرای تعهد اصلی: کنوانسیون ۱۹۸۰ رم در ماده ۴ (۱) خود مقرر می دارد که « در صورت سکوت طرفین در تعیین قانون حاکم قانون کشوری حاکم خواهد بود که بیشترین ارتباط را با قرارداد دارد^{۱۵}». علاوه بر آن قانون متحد الشکل تجاری آمریکا^{۱۶} مصوب

^{۱۵}. Convention on the Law Applicable to the Contractual Obligation 1980 Article 4(1) "To the extent that the law applicable to the contract has not been chosen in accordance with Article 3, the contract shall be governed by the law of the country with which it is most closely Connected"

^{۱۶}. Uniform Commercial Code (UCC).

(۱۹۷۸) و قانون قرارداد اقتصادی خارجی جمهوری خلق چین (مصوب ۱۹۸۵) نیز بر این امر اشاره دارد.^{۱۷} امروزه به صورت وسیعی پذیرفته شده است که بیشترین ارتباط را با قرارداد دارد که تعهد اصلی قرارداد می بایست در آن صورت پذیرد. در اینکه تعهد شاخص و اصلی کدام تعهد می باشد دکتین و نظرات حقوقی متعددی وجود دارد. منطقی به نظر می رسد که در عقد بیع، تعهد اصلی را تعهد فروشنده به تأمین مبیع و تحویل به خریدار بدانیم. که بر این اساس، قانون کشور ایران حاکم بر این پرونده خواهد بود. رویه های داوری های بین المللی نیز مؤید همین امر می باشد. به عنوان مثال:

- دیوان داوری ایران - ایالات متحده نیز در پرونده شماره ۱۵۶ - شعبه ۱، که در مکاتبات موجد قرارداد میان خواهان (ایکانامی فورمز کورپوریشن^{۱۸}) و خواندگان (دولت ایران و . . .) تصریحی بر قانون حاکم بر قرارداد بیع نشده بود، بدین شکل استدلال نمود که: "با توجه به اینکه قرار بوده کالاها توسط ایکانامی فورمز در آیووا ساخته شود و تحویل پرداختها نیز می بایستی در ایالات متحده صورت گیرد، و با توجه به این اوضاع و احوال، دیوان عقیده دارد که قانون ایالات متحده بر قرارداد حاکم است، زیرا مرکز ثقل این معاملات تجاری در ایالات متحده قرار داشته است و این امر به موجب اصول کلی تعارض قوانین، ضابطه می باشد. در نتیجه، قانون قابل اعمال بر قرارداد و تشکیل آن «قانون متحدالشکل تجاری» آمریکا (مصوب قوهی مقننه ایالت آیووا) می باشد." ^{۱۹}

^{۱۷}. Dr. A. F. M Maniruzzaman, **Conflict of Law Issues in International Commercial Arbitration**, Arbitration International, London Court of International Arbitration, 1993, P2.

^{۱۸}. Economy Forms Corporation.

^{۱۹}. علی ماروسی، گزارش آراء دیوان داوری دعاوی ایران-ایالات متحده، (تهران: مرکز امور حقوقی بین المللی، بهار ۱۳۹۲). ج ۴، صص ۳۴۸-۲۹۶. هم چنین رجوع شود به:

Iran-United States Claims Tribunal, **IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL REPORTS**, (Cambridge: Cambridge Grotius Publications Limited, 1985), Volume 5, Ps. 1-50.

• جناب آقای دکتر محمدعلی بهمنی (داور محترم مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران) در پرونده‌ای با اختلافی مشابه موضوع این پرونده به موجب رأی شماره ۳۶/د/۹۳/۶/۳۸۹ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۲ و با همین استدلال، قانون حاکم را شناسائی نمودند.^{۲۰}

ب. ۳) در ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۵۵ لاهه در خصوص قانون قابل اعمال بر قرارداد بیع بین المللی کالا^{۲۱} قانون کشور فروشنده، ملاک قرار داده شده که از این نظر هم قانون کشور ایران حاکم است.

ب. ۴) بند ب از ماده ۴۲ قواعد و آیین داوری ACIC صراحتاً به این امر اشاره دارد که در صورت سکوت طرفین نسبت به قانون حاکم، در قرارداد های بین المللی، داور، قانون حاکم را بر اساس مناسب ترین قاعده حل تعارضی که تشخیص دهد انتخاب می کند^{۲۲}. به عبارت دیگر دیوان داوری می بایست بر اساس مناسب ترین قواعد حل تعارض، قانونی را انتخاب نماید که با توجه به قرارداد و شرایط موجود، طرفین آن را به عنوان قانون حاکم بر روابط تجاری خود انتخاب می نمودند. لذا:

ب. ۴. ۱) قاعده حل تعارض ایران:

ماده ۹۶۸ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد: «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل انعقاد عقد است مگر اینکه متعاملین اتباع خارجه بوده و آنرا صراحتاً و یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند». نظر به اینکه وفق مطالب پیش گفته مرکز داوری صالح به رسیدگی است، لذا با استناد به قواعد حل تعارض مقرر این سازمان که همان ماده مذکور قانون مدنی است و علاوه بر

^{۱۹}. Economy Forms Corporation.

^{۲۰}. محسن محبی، گزیده آراء داوری مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران، (تهران: شهر دانش، ۱۳۹۶)، ج ۳، صص ۱۱۷-۱۱۸.

^{۲۱}. Convention on the Law Applicable to International Sales of Goods, Article 3 " In default of a law declared applicable by the parties under the conditions provided in the preceding Article, a sale shall be governed by the domestic law of the country in which the vendor has his habitual residence at the time when he receives the order".

^{۲۲}. این مقرر در بند ۲ ماده ۲۸ قانون نمونه داوری، بند ۲ ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین المللی ایران (مصوب ۱۳۷۶) و بند ۱ ماده ۲۱ قواعد داوری ICC نیز به چشم میخورد.

آن با توجه به اینکه مطابق با آنچه در پاراگراف (ب. ۲. ۲) گفته شد، محل انعقاد عقد، ایران می باشد.

ب. ۴. ۲) قاعده حل تعارض قزاقستان:

- مطابق بند ۲ ماده ۱۰۸۴ قانون مدنی قزاقستان: "در مواردی که قانون حاکم قابل تشخیص نباشد، قانونی حاکم است که بیشترین رابطه مدنی و حقوقی را با عنصر خارجی داشته باشد".^{۲۳} که بر این اساس و با توجه به استدلال پاراگراف (ب. ۲. ۳) قانون ایران، حاکم خواهد بود.
- مطابق بخش اول از بند ۱ ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی قزاقستان: «در خصوص قرارداد بیع کالا، در صورتیکه راجع به قانون حاکم توافقی نباشد، قانون کشور فرو شده، حاکم بر قرارداد خواهد بود.»^{۲۴} که بر این اساس نیز قانون کشور ایران، یعنی کشور متبوع شرکت فولادکو، حاکم می باشد. علیهذا با توجه به تمامی نکات فوق الذکر مستدعی است اعضاء محترم دیوان داورى، در راستای ماده ۴۲ قواعد و آئین داورى

^{۲۳}. Section 7. Private International Law

Chapter 61. General Provisions

Article 1084. Definition Of The Law Which Is Subject To Application To Civil And Legal Relations Complicated By A Foreign Elements

1. The law which is subject to application to civil and legal relations with the participation of foreign citizens of foreign legal entities or complicated by any other foreign element shall be determined on the basis of this Code, other legislative acts, international treaties ratified by the Republic of Kazakhstan and international customs being recognized.
2. If in accordance with paragraph 1 of this Article it is impossible to determine the law, which is subject to application, the law shall apply which is the most closely associated with the civil and legal relations complicated by a foreign element.

^{۲۴}. Article 1113. The Law Applicable To A Contract When There Is No Agreement Of The Parties

1. When there is no agreement of the parties to a contract with regard to law which is applicable to that contract the law of the country shall apply where a party defined as follows was found or has the place of residence or principal place of business:

- 1) seller - in a purchase and sale contract;

ACIC، نکات ماهوی این پرونده را بر اساس قانون حاکم بر این قرارداد (یعنی قانون ایران) و عرف و عادت تجاری ذیربط مورد ارزیابی قرارداده و اتخاذ تصمیم نمایند.

ج) دستور موقت

ج. ۱) مطابق ذیل بند ت ماده ۳۵ قواعد و آئین داورى **ACIC**، اینجانب به وکالت از طرف شرکت فولادکو اعلام می‌نمایم که موکل بنده در تاریخ ۱۳۹۶/۰۷/۲۱ (یعنی پیش از طرح اختلاف در دیوان **ACIC**) از دادگاه قزاقستان برای توقیف اموال شرکت **HRS** در آن کشور درخواست صدور دستور موقت نموده است.

ج. ۲) با توجه به نکاتی که در بخش‌های قبل در خصوص اثبات صلاحیت «**ACIC**» اظهار گردید، لذا با توجه به اینکه:

- مستند به بند ب ماده ۳ قواعد و آئین داورى **ACIC** که بیان می‌دارد: "رسیدگی داورى در کلیه دعاوی و اختلافاتی که به مرکز داورى ارجاع شود، مطابق مقررات این آئین داورى انجام می‌شود"؛ و
- چون در بند ت ماده ۳۵ قواعد و آئین داورى **ACIC** صراحتاً در خصوص دستور موقت اظهار نظر شده و لذا نظر به مفهوم مخالف قاعده کلی مندرج در ماده ۶۷، نیاز به مراجعه هیچ قانون یا آئین نامه دیگری در این خصوص نمی‌باشد؛ و
- قید "مراجعه به محاکم دادگستری" در بند ت ماده ۳۵ یک بیان عام بوده و شامل کلیه محاکم دادگستری داخلی ایران و هر کشور ثالثی می‌باشد؛ و
- چون بند ت ماده ۳۵ مراجعه به محاکم دادگستری و درخواست دستور موقت را در موارد استثنائی، قبل از داورى یا حین داورى مجاز دانسته است، و یکی از اقدامات مجاز در حین داورى، در خواست صدور دستور موقت از آن مرجع داورى می‌باشد،

بنابراین ادعای خواننده در خصوص عدم امکان صدور همزمان دستور موقت توسط دادگاه قزاقستان و ACIC دارای محمل قانونی نبوده و قابل پذیرش نمی باشد.

د) صلاحیت سرداور

د. ۱) تبیین استقلال و بی طرفی

«منظور از صلاحیت داور، فقط بی طرفی یا استقلال وی در پرونده است. در ادبیات حقوقی، بی طرفی، به اجتناب داور از جانب داری در گفتار و یا رفتار در مقابل یکی از طرفین و استقلال، به فقدان رابطه وی با طرفین دعوی و وکلای آن ها به ویژه رابطه مالی و تجاری تعیین گردیده است».^{۲۵} بی طرفی داور بیانگر این است که نوعی از روابط میان وی و یکی از طرفین (اعم از روابط مثبت، مثل خویشاوندی و یا وجود یک علاقه شدید، و روابط منفی مثل یک دعوای منجر به جرح و تنفر از طرف مقابل)، برای وی ایجاد شکلی از تعصب غیرمنطقی و پیش داوری ایجاد نکند که منجر به تصمیمی گردد که مبتنی بر احساسات باشد، نه مبنا و منطق حقوقی. استقلال داور نیز بدین معناست که مجدداً نوع دیگری از روابط میان وی و یکی از طرفین (اکثراً روابطی که در آنها مبادلات مالی وجود دارد، مانند روابط خادم و مخدوم و ...) باعث این نشود که داور نگران حدوث یکسری عواقب ناخوشایند برای خود و یا نزدیکانش، در اثر اتخاذ تصمیم معقول، منطقی و حقوقی خود باشد. ماده ۴۶۹ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۰۹/۲۱ «ق.آ.د.م.» برای بی طرفی داور، مصادیقی چون ذینفع بودن داور در پرونده و داشتن قرابت سببی یا نسبی یا دعوای کیفری با اطراف دعوا، و برای استقلال هم وجود رابطه وراثت، قیمومیت، کفالت، وکالت یا مباشرت امور

۲۵. علی ماروسی، گزارش آراء دیوان داوری دعوای ایران-ایالات متحده، (تهران: مرکز امور حقوقی بین المللی، تابستان ۱۳۹۰)، ج ۱، ص ۴۱.

میان داور و اطراف دعوا را احصاء کرده است. وفق ماده ۲۳ از قواعد و آیین داورى ACIC، «داور در صورتی قابل جرح است که اوضاع و احوال موجود باعث تردید موجه نسبت به بی طرفی و استقلال او شود». مقررہ فوق در اکثر قواعد و قوانین داورى مشهود می باشد ولی با این حال از ارائه تعریف و یا مصداق دقیقی از تردید موجه ناتوان مانده اند. لذا به منظور حل این مشکل، «دستورالعمل کانون وکلای بین المللی در خصوص تعارض منافع در داورى بین المللی»^{۲۶} در خصوص تعارض منافع در بند ۲(C) از استاندارد کلی، به تعریف و توضیح تردید موجه پرداخته است: «تردید موجه به شرایطی اطلاق می شود که با رخدادش، یک شخص معقول را به این نتیجه وا می دارد که عوامل فراتر از اطلاعات پرونده منجر به اظهار نظر داور در خصوص پرونده گردیده است».

د. ۲) اعتراض خواننده به صلاحیت سرداور

د. ۲.۱) خواننده به دبیرخانه ACIC اعلام نموده که مطلع گردیده است سرداور پرونده، دکتر علی زند شیرازی، در سال ۱۳۸۷ با نگارش مقاله ای در مجله پژوهشهای حقوق خصوصی، دقیقاً در مورد موضوع مورد اختلاف در این پرونده اظهار نظر نموده و موضع خواهان را تایید کرده و لذا صلاحیت رسیدگی به این اختلاف را ندارد. حال باید دید که آیا این امر از مواردی است که موجبات ایجاد تردید موجه را نسبت به استقلال و بی طرفی داور فراهم می آورد یا خیر؟ لازم به ذکر است که اولاً صرف اظهار نظر آکادمیک در خصوص موضوع دعوی و یا انتشار مقاله و کتاب در این رابطه امری خلاف انتظار و متعارف نخواهد بود. این امر از مواردی است که در رای صادر شده از مرکز بین المللی حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری^{۲۷}، در

^{۲۶} .IBA Guidelines on Conflicts of Interest in International Arbitration.

^{۲۷} . International Centre for Settlement of Investment Disputes (ICSID).

پرونده «رِبِيزر اِس اِی علیه آرژانتین»^{۲۸} بدان اشاره شده و مورد تاکید قرار گرفته است. مضافاً اینکه از تاریخ نگارش مقاله تا کنون، ممکن است نظر وی در این خصوص تغییر کرده باشد. ثانیاً مگر نه اینکه از مزایای رسیدگی در سازمان های داوری در مقایسه با محاکم دادگستری امر تخصصی بودن داوران آن می باشد، بدین معنی که در داوری بر خلاف رسیدگی قضایی، در خصوص هر دعوی امکان نصب داور متخصص با موضوع آن دعوا وجود دارد. ثالثاً چه بسا داوران و قضات دادگستری در تمام طول دوران قضاوت خود در موضوع واحد پرونده های متعددی را مورد بررسی قرار دهند اگر این موضوع را نافی استقلال و بی طرفی داور یا قاضی بدانیم، باید از این پس، هر داور یا قاضی در خصوص هر موضوع حقوقی، صرفاً به یک پرونده رسیدگی نماید و در خصوص پرونده های مشابه بعدی صالح به رسیدگی نخواهد بود! رابعاً مطابق با بند ۱، ۱، ۱ از «دستورالعمل کانون وکلای بین المللی در خصوص تعارض منافع در داوری بین المللی»، اظهار نظر آکادمیک داور در خصوص یک موضوع، از مواردی است که موجبات جرح داور را فراهم نمی آورد. خامساً مقاله مذکور، ناظر به خواهان به عنوان یک فرد مشخص نبوده است که بخواهد در ذهن داور موجبات پیش داوری و بی طرفی را بوجود آورد و همچنین این مقاله هیچ نوع رابطه مالی میان داور و خواهان ایجاد نکرده است که بخواهد استقلال سرداور را مخدوش نماید. لذا از نظر وکیل خواهان، ایراد اعلامی از سوی خواننده منطقی و وارد نمی باشد.

د. ۳) اعتراض خواننده به صلاحیت داور اختصاصی

د. ۳.۱) جرح داور اختصاصی خواهان از سوی خواننده بر این استدلال استوار است که نامبرده سابقاً استاد راهنمای وکیل خواهان در مقطع کارشناسی ارشد بوده است. در گزارش تهیه شده توسط «انستیتو

^{۲۸}. ICSID case No ARB/07/27- Urbaser SA Vs. Argentina.

گسترش داوری و میانجیگری در مدیترانه^{۲۹} مشخصاً به این مسئله پرداخته شده است. بنا بر این گزارش، وجود رابطه آکادمیک میان داور و وکیل طرفین دعوی نمی تواند دلیل موجهی برای جرح داور باشد چرا که قطعاً موجبات تردید موجه و معقول را در یک انسان بالغ در رابطه با استقلال و بی طرفی داور فراهم نخواهد آورد. لذا ایراد اعلامی از سوی خواننده در خصوص داور اختصاصی نیز از نظر وکیل خواهان، دارای مبنای حقوقی و منطقی نمی باشد.

بخش دوم: نکات ماهوی پرونده

و) وضعیت عقد بیع

و. ۱) همان طور که پیشتر اشاره شد، قانون حاکم بر قرارداد موضوع دعوی حاضر، قانون ایران می باشد. در کنار قانون ایران، باید به این مسأله نیز اشاره کرد که حوزه تجارت بین الملل شاهد ظهور و پیشرفت مجموعه‌ای از قواعد فراملی است که به حقوق بازرگانی فراملی^{۳۰} شهرت یافته و در روبه داوری بین المللی به وفور به این قواعد استناد می شود. هم سو با این جریان، ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین المللی ۱۳۷۶ و ماده ۴۲ ACIC این امکان را به داور می دهد تا ضمن رعایت مفاد قرارداد، به عرف تجاری یا بازرگانی موضوع مربوطه نیز توجه نماید. در نتیجه با امعان نظر به اینکه قرارداد فیما بین جنبه بین المللی دارد، رعایت اصول حاکم بر تجارت بین الملل ضروری به نظر می رسد. سه سند مهم و مؤثر در این زمینه عبارتند از کنواسیون بیع بین المللی کالا^{۳۱}، اصول قراردادهای تجاری بین المللی^{۳۲} و اصول حقوق قراردادهای اروپایی^{۳۳} که برمبنای مشترکات

^{۲۹} . Report on independence and impartiality of arbitrator (Institute for the promotion of arbitration and mediation in the Mediterranean).

^{۳۰} . Lex mercatoria.

^{۳۱} . United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods.

^{۳۲} . UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts.

^{۳۳} . Principles of European Contract Law.

نظام‌های حقوقی و با هدف یکنواخت سازی مقررات مربوط به قراردادهای تجاری بین‌المللی و بیع کالا، تدوین شده‌اند. این سه سند در عرصه تجارت بین‌الملل جایگاه ممتازی پیدا نموده و به عنوان مجموعه قواعد مرجع و معیار در بسیاری از قراردادها به عنوان قانون حاکم انتخاب و در صدور آراء قضایی و داوری مورد استناد می‌باشند.

و. ۲) مطابق آنچه که در بخش شکلی به تفصیل به آن پرداخته شد، درخواست سفارش کالا و واریز پیش پرداخت توسط خواننده، به منزله ایجاب از ناحیه ایشان بوده که با دریافت و وصول این پیش پرداخت توسط موکل، قبولی محقق و در نتیجه عقد بیع واقع شده است. ماده ۲۳ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در این زمینه مقرر می‌دارد: «قرارداد از لحظه‌ای که قبول ایجاب مطابق مقررات این کنوانسیون نافذ می‌شود، منعقد می‌گردد». این استدلال در پرونده ایکانامی فورمز کورپوریشن نیز مورد پذیرش قرار گرفت. بدین توضیح که دیوان داوری ایران - ایالات متحده چنین نتیجه‌گیری کرد که ارسال فهرست نیازمندی‌های خریدار و صورت پروفرماهای فروشنده به منزله سفارش و ایجاب بوده و با قبول سفارش، معامله منعقد گردیده است.^{۳۴} مطابق ماده ۳۳۹ قانون مدنی ایران نیز «پس از توافق بایع و مشتری در مبیع و قیمت آن، عقد بیع به ایجاب و قبول واقع می‌شود».

ز) درخواست خواننده مبنی بر الزام خواهان به انجام تعهد

ز. ۱) مطابق مندرجات و محتویات پرونده، خواننده محترم علیرغم پیگیری‌های موکل و ارسال ایمیل‌های متعدد مبنی بر لزوم انجام تعهد، از پرداخت ثمن معامله خودداری نمود و با وجود اینکه موکل به ایشان هشدار داد که «اگر شرکت **HRS** نتواند مابقی مبلغ را در موعد مقرر پرداخت نماید، شرکت ما را در شرایط سخت

۳۴. علی ماروسی، گزارش آراء دیوان داوری دعاوی ایران-ایالات متحده، (تهران: مرکز امور حقوقی بین‌المللی، بهار ۱۳۹۲)، ج ۴، ص ۳۴۱.

مالی قرار خواهد داد، زیرا فولادکو هزینه ۱۰،۰۰۰ تن فولاد را در زمان سفارش به تأمین کننده پرداخت نموده است»، از پرداخت ثمن معامله سرباز زد. نکته حائز اهمیت اینکه موکل با رعایت اصل لزوم حسن نیت در معاملات تجاری در قالب مهلت ارفاقی^{۳۵} به خواننده فرصت داد تا نسبت به پرداخت ثمن اقدام نماید و در این راستا و با توجه به عدم امکان پرداخت ثمن از طریق یورو، به درخواست خواننده، حسابی به درهم در دویی نیز افتتاح نمود. متأسفانه علیرغم گذشت حدود دو ماه از این تاریخ، هیچ پاسخی از سوی خواننده مبنی بر پرداخت ثمن دریافت نگردید و نقض اساسی قرارداد از سوی ایشان محقق شد.

ز. ۲) مطابق ماده ۲۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، «نقض قرارداد توسط یکی از طرفین، هنگامی "نقض اساسی" محسوب می‌شود که منجر به ورود چنان خسارتی به طرف دیگر گردد که او را از آنچه استحقاق انتظار آن را به موجب قرارداد داشته است، اساساً محروم کند». بر اساس مفهوم ماده ۶۱ کنوانسیون مذکور نیز، هر گاه مشتری در ایفای هر یک از تعهدات خود طبق قرارداد یا این کنوانسیون کوتاهی ورزد، بایع می‌تواند علاوه بر فسخ قرارداد، نسبت به مطالبه خسارات وارده نیز اقدام نماید.

ز. ۳) همان طور که مستحضرید، در ایفای تعهدات، اصل سرعت بر تجارت بین‌الملل حاکم است و در نتیجه خواننده نمی‌تواند به استناد افزایش نرخ ارز، پرداخت ثمن را خارج از یک مدت زمان عرفی به تأخیر اندازد. مضافاً اینکه خواننده، بارها در مکاتبات خود، تأکید کرده که نوسانات ارز، بر ایفاء تعهدات ایشان تأثیری نداشته و توان پرداخت باقیمانده مبلغ را به درهم و در حساب افتتاحی فولادکو در دویی خواهد داشت. حتی در ایمیل آخر، مدعی شد که «HRS همچنان در حال تلاش برای پرداخت مبلغ قرارداد است و در نهایت، خسارت‌های مربوط به انبارداری ناشی از تأخیر پرداخت به حساب شرکت فولادکو کارسازی خواهد شد.» همچنین در هیچیک از مکاتبات نیز از سوی HRS از عدم توانایی در پرداخت، حرفی زده نشده است. لذا تعارض میان

^{۳۵}. Period of grace.

ادعای خوانده مبنی بر تأکید بر پرداخت پول و عدم توجه به همکاری ها، پیگیری ها و اخطارهای خواهان، هیچ توجیه منطقی و حقوقی ای نخواهد داشت.

ز. ۴) بدنبال نقض اساسی قرارداد، موکل اینجانب بدلیل افت قیمت فولاد در بازار و متحمل شدن هزینه‌های انبارداری، مطابق ماده ۴۴۹ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «فسخ به هر لفظ یا فعلی که دلالت بر آن نماید، حاصل می‌شود» و ماده ۴۵۱ آن قانون که اشعار می‌دارد: «تصرفاتی که نوعاً کاشف از بهم زدن معامله باشد فسخ فعلی است.» و به منظور جلوگیری از ورود خسارات بیشتر ناشی از ادامه افت قیمت فولاد، با فروش کالا به خریدار ثالث به قیمت هر تن ۹۰۰ یورو (یعنی ۱۰۰ یورو ارزانتر از قیمت فروش به خواننده) ناگزیر به «فسخ فعلی» معامله گردید و در مجموع فروش ۱۰ هزار تن فولاد، متحمل خسارت ناشی از افت قیمت فولاد به مبلغ یک میلیون یورو گردید. لهذا با عنایت به جمیع مراتب فوق، بحث الزام خواهان به انجام تعهد با توجه به فسخ قرارداد، فاقد وجهت قانونی بوده و منتفی است.

ح) امکان مطالبه مابه‌التفاوت فروش جایگزین و معامله اولیه

ح. ۱) مطابق استدلال‌های مندرج در بند فوق، مسأله نقض قرارداد از سوی خواننده به روشنی محقق شده است. نکته حائز اهمیت در این زمینه عبارت است از اینکه بر اساس عرف تجارت بین‌الملل، متضرر از نقض قرارداد، وظیفه دارد اقدامات متعارفی را برای تقلیل یا جلوگیری از گسترش خساراتی که امکان دارد از نقض قرارداد برای وی حادث شود، اعمال نماید. فسخ قرارداد نیز از جمله این اقدامات است. از این موضوع به عنوان قاعده مقابله با خسارت^{۳۶} یاد می‌کنند که در ماده ۷۷ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا به آن اشاره شده است. این ماده مقرر می‌دارد: «طرفی که به نقض قرارداد استناد می‌کند، مکلف است حسب اوضاع و احوال در جهت کاهش

^{۳۶}. Mitigation of damages.

زیان ناشی از نقض قرارداد (از جمله عدم النفع) اقدامات متعارف را معمول دارد. در صورتی که وی در انجام اقدامات فوق تصور نماید، نقض کننده می‌تواند به میزانی که خسارت می‌بایست تقلیل می‌یافت، مدعی کاهش خسارت گردد».

ح. ۲) ماده ۸-۴-۷ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی نیز بیان می‌دارد: «در صورتی که طرف متضرر از نقض قرارداد اقدامات متعارفی را جهت میزان خسارات وارده از نقض قرارداد اتخاذ ننماید، در این صورت طرف نقض کننده نسبت به این میزان خسارت مسئولیتی نخواهد داشت. زیان دیده می‌تواند کلیه هزینه‌های متعارفی را که در راستای کاهش میزان خسارت متقبل شده است، مطالبه نماید». ماده ۵۰۵:۹ اصول حقوق قراردادهای اروپایی نیز مقرر مشابهی را در این زمینه وضع نموده است.

ح. ۳) به موجب کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، هزینه‌هایی که زیان دیده متقبل شده است، تحت عنوان هزینه‌های ناشی از نقض قرارداد قابل دریافت هستند. ماده ۷۴ این کنوانسیون مقرر می‌دارد: «خسارات ناشی از نقض قرارداد بوسیله یکی از طرفین، عبارت است از مبلغی برابر زیان، از جمله عدم‌النفعی که طرف دیگر بر اثر نقض متحمل شده است». حال این که، خسارت مورد ادعای خواهان، نسبت به اصل مبلغ قرارداد (ثمن معامله) می‌باشد، نه منافع از دست رفته ناشی از عدم پرداخت ثمن. بدین معنا که در صورت ایفاء تعهدات توسط **HRS**، خواهان قطعاً به ثمن معامله دست می‌یافت و یک میلیون یورو از مبلغ فولاد را به دلیل افت قیمت آن در بازار، از دست نمی‌داد. مطابق ماده ۷۵ نیز «هرگاه قرارداد فسخ شده باشد و بایع مبیع را به دیگری فروخته باشد، طرفی که مدعی خسارت است می‌تواند تفاوت قیمت مذکور در قرارداد با قیمت حاصل از معامله جانشین و همچنین هر نوع خسارت دیگر که به موجب ماده قبل قابل وصول باشد را مطالبه و وصول نماید».

ح. ۴) در قوانین موضوعه ایران نیز از این «قاعده مقابله با خسارت» صحبت شده است، از جمله بند ۳ ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ که مقرر می‌دارد: «وقتی که زیان دیده به نحوی از انحاء، موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت وارد کننده زیان را تشدید کرده باشد، دادگاه

می‌تواند میزان خسارت را تخفیف دهد». در حقیقت زمانی که زیان دیده برای جلوگیری از گسترش زیان اقدامی انجام نمی‌دهد، مصداقی از این ماده دانسته شده و طبق این ماده می‌توان ادعا کرد که در حقوق ایران نیز «قاعده مقابله با خسارت» پذیرفته شده است.^{۳۷}

ح. ۵) یکی از قواعدی که برای توجیه «قاعده مقابله با خسارت» در حقوق ایران بر مبنای قواعد فقهی به آن استناد جسته‌اند، «قاعده اقدام»^{۳۸} است. بر اساس این قاعده می‌توان این گونه استدلال نمود که در صورتی که زیان دیده در جهت کاهش خسارت ناشی از نقض قرارداد توسط طرف دیگر، اقدامات لازمی را انجام ندهد، به ضرر خود اقدام کرده، و مطابق این قاعده ضرر و زیان حاصله بر عهده خودش می‌باشد.

ح. ۶) مطابق «قاعده لاضرر» نیز وارد کردن ضرر به دیگری ممنوع بوده و در این راستا، زیان دیده می‌بایست از بروز ضرر و زیان تا آنجایی که ممکن است جلوگیری نموده و ضرر محتمل را دفع نماید؛ به عبارت دیگر، التزام و پایبندی یک طرف به قراردادی که توسط طرف مقابل نقض شده، مستلزم ورود ضرر به متعهدله است.

ح. ۷) همچنین بر اساس «قاعده تسبیب»، هر کسی سبب تلف و خسارت به دیگری گردد ضامن است، هر چند که خود مباشرت به اتلاف و توجه ضرر نداشته باشد و الزاماً بایستی ضرر وارده را جبران نماید.

ح. ۸) در خصوص قرارداد بیع، «قاعده مقابله با خسارت» به صورت انجام یک معامله جایگزین جلوه‌گر می‌شود. در حقیقت بایع می‌تواند برای تقلیل خسارت، به فروش مجدد آن کالا اقدام نماید. مطابق ماده ۸۸ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا یکی از مواردی که بایع می‌تواند مبیع را بازفروش نماید، «تأخیر غیر متعارف» مشتری در پرداخت ثمن معامله است، مشروط بر اینکه اخطار متعارفی مبنی بر قصد فروش، به طرف دیگر ارسال کرده باشد. در دعوای «وینکستن جانز کامپانی علیه دولت ایران و بانک صادرات ایران»^{۳۸} جریان دعوا از این قرار بود که در سال ۱۹۷۶ بین طرفین قراردادی برای فروش وسایل ارتباطی الکترونیکی و خدمات مرتبط با آن منعقد

^{۳۷}. ناصر کاتوزیان، الزام‌های خارج از قرارداد، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۰)، ج ۱، ص ۲۶۵.

^{۳۸}. Winkston-johns Co. & Winkston-johnson Ltd v. Islamic Republic of Iran & Bank Saderat Iran (1989).

شد، اما طرف ایرانی بخش عمده‌ای از ثمن را پرداخت نکرد. شرکت آمریکایی نیز آن قسمت از کالا که تسلیم نشده بود را به شخص ثالثی فروخت. در نهایت دیوان داوری اعلام کرد که شرایط ماده ۸۸ کنوانسیون بیع بین المللی کالا محرز است. یعنی تأخیر غیر متعارف خریدار در پرداخت ثمن و عدم ارائه تضمینی برای پرداخت؛ بنابراین اقدام شرکت آمریکایی برای تقلیل خسارت را موجه دانست.^{۳۹}

ح. ۹) اساساً تعیین یک معیار کلی برای «تأخیر غیر متعارف» بسیار مشکل است و این امر بستگی به اوضاع و احوال هر مورد خاص و هر معامله دارد. در تعیین این موضوع باید پارامترهایی مانند اوصاف و ماهیت کالا، هدف انعقاد قرارداد و وجود یا فقدان بازار را مورد لحاظ قرار داد. در رابطه با موضوع این پرونده که کلیه مکاتبات فیما بین طرفین به سرعت و از طریق ارسال ایمیل صورت می‌گرفت و طرفین تمایل به برقراری روابط تجاری بلند مدت داشتند، تأخیر بیش از یک تا دو هفته در پرداخت ثمن می‌توانست تأخیر غیر متعارف تلقی گردد. حال که خوانده بیش از ۲ ماه از تأدیه ثمن خودداری نمود، قطعاً این تأخیر مصداق تأخیر غیر متعارف است. البته در صورت امتناع صریح یکی از طرفین در خصوص اجرای قرارداد، حتی لزومی به گذشت مدت زمان مشخص جهت صدق عنوان «تأخیر غیر متعارف» نیست. در رابطه با لزوم ارسال اخطار متعارف نیز باید عنوان داشت که موکل طی ایمیل مورخ ۱۳۹۶/۰۲/۲۰ به خوانده هشدار داده بود که عدم پرداخت ثمن، این شرکت را در شرایط سخت مالی قرار خواهد داد و در ایمیل مورخ ۱۳۹۶/۰۴/۳۱ نیز اظهار داشت که بدلیل نقض تعهد خوانده، در شرایط بسیار سختی از لحاظ مالی بوده و در معرض ریسک غیرقابل قبولی قرار گرفته است. اخطارهایی که خریدار آن را بدون پاسخ گذاشت و تلاشی نیز برای پرداخت ثمن و یا حداقل ارائه تضامینی جهت پرداخت صورت نداد. همچنین اظهارات **HRS** در نامه مورخ ۱۳۹۶/۷/۴^{۴۰} مبنی بر اینکه «شرکت فولادکو حق فروش کالاهایی که متعلق به **HRS** است را به شخص ثالث ندارد و در صورت چنین

^{۳۹}. علی ماروسی، گزارش آراء دیوان داوری دعاوی ایران-ایالات متحده، (تهران: مرکز امور حقوقی بین المللی، بهار ۱۳۹۲)، ج ۹، صص ۱۵۲-۱۸۸.

^{۴۰}. مدرک شماره ۶، صفحه ۱۷ سؤال مسابقه.

قصدی حتماً باید با دادن اعلامیه های قبلی، فرصت مناسب و معقول به شرکت HRS برای پرداخت مبلغ

قرارداد بدهد. « در واقع یک "اقرار مؤخر" به حساب می آید، زیرا فولادکو، هم به HRS اخطارهای مکرر داده بود و هم بیش از دو ماه، مهلت مناسب و معقول. در نتیجه در این پرونده شرایط اعمال ماده ۸۸ کنوانسیون بیع بین المللی کالا در خصوص بازفروش مبیع، به درستی محقق شده است.

ح. ۱۰) پذیرش بازفروش مبیع، اصولاً منافاتی با مبانی و منابع حقوق کشور ما ندارد، چرا که مبنای این نهاد

عبارت است از رهایی از بلا تکلیفی، رسیدن به طلب و جلوگیری از پیدایش هزینه ها و ضررهای بیشتر.^{۴۱}

ح. ۱۱) پس از بررسی این موضوع که خواهان با توجه به نقض قرارداد از سوی خواننده و عدم پرداخت ثمن

دارای حق بازفروش کالا به ثالث بوده است، حال به مسأله مطالبه ضرر و زیان وارده به خواهان می پردازیم.

ح. ۱۲) طبق قواعد عمومی قراردادهای، برای مطالبه خسارت تحقق سه شرط اساسی است: ۱. ورود ضرر، ۲.

نقض تعهد و ۳. وجود رابطه سببیت بین نقض تعهد و ورود ضرر. شرط اول اینکه لازم است که ضرر به بارآمده

باید به اصطلاح، ضرر مسلم باشد. طبق ماده (۱) ۷-۴-۳ اصول قراردادهای تجاری بین المللی «تنها خساراتی

قابل جبران هستند (از جمله خسارات آینده) که با درجه معقولی از قطعیت ثابت شوند»؛ بنابراین ضروری

است که خسارات با درجه معقولی از قطعیت ثابت شوند و نه با قطعیت کامل. شرط دوم این است که نقض

تعهدی صورت گرفته باشد که در ما نحن فیه، خواننده با خودداری از پرداخت ثمن، تعهد قراردادی خود را

نقض کرده و ضرر و زیان قابل توجهی برای خواهان حاصل شده باشد. بدین نحو که در نتیجه سقوط شدید

قیمت فولاد در بازار، خواهان ناچار به انجام معامله جایگزین شد و بدین ترتیب متحمل یک میلیون یورو

خسارت به عنوان ما به التفاوت فروش جایگزین و معامله اولیه گردید که این خسارت می بایست توسط خواننده

جبران گردد، چرا که بین نقض تعهد از سوی ایشان و ورود ضرر به خواهان، رابطه سببیت موجود است (شرط

^{۴۱} حسن محسنی، "بازفروش مبیع در کنوانسیون بیع بین المللی کالا ۱۹۸۰ و بررسی امکان آن در حقوق ایران"، مجله پژوهش های حقوق تطبیقی، (بهار ۱۳۹۰)، دوره ۱۵، شماره ۱، ص ۱۵۰.

سوم)؛ به عبارت دیگر، در صورتی که خواننده ثمن معامله را در مهلت مقرر پرداخت می‌نمود، چنین ضرری (از جمله عدم امکان به کار انداختن پول و بهره بردن به موقع از آن) به هیچ وجه به خواهان وارد نمی‌شد و اگر دین به موقع پرداخت می‌گشت، این خسارت تحقق نمی‌یافت. به موجب قسمت اول ماده ۷۴ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا «خسارات ناشی از نقض قرارداد به وسیله یکی از طرفین، عبارت است از مبلغی برابر زیان، از جمله عدم‌النفعی که طرف دیگر بر اثر نقض متحمل شده است».

ح. ۱۳) طبق اصل جبران کامل خسارت، زیان دیده باید در وضعیتی قرار گیرد که در صورت اجرای به موقع قرارداد از آن برخوردار می‌بود. این اصل در اصول حقوق قراردادهای اروپایی و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی با صراحت بیشتری پذیرفته شده است. در اصول حقوق قراردادهای اروپایی ماده ۹:۵۰۲ مقرر شده «میزان خسارت به اندازه‌ای خواهد بود که زیان دیده را تا آنجا که ممکن است در وضعیتی قرار دهد که در صورت اجرای کامل قرارداد از آن برخوردار بود». در ماده ۲-۴-۷ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی نیز آمده است «زیان دیده مستحق دریافت خسارت کامل ناشی از عدم اجرای قرارداد است». مستند به موارد فوق، با توجه به اینکه خواهان به دلیل نقض قرارداد از سوی خواننده، با فروش مبیع به ثالث، قرارداد بیع را فسخ فعلی نموده است، لذا به موجب فسخ، مجدداً مالک مبیع شده است. لیکن مبیعی که در زمان فسخ ارزش آن در بازار، یک میلیون یورو کاهش یافته و بنابراین خواهان متضرر شده است. لذا برای جبران این خسارت و اینکه زیان دیده (خواهان)، حداقل در موقعیتی قرار گیرد که در صورت اجراء کامل قرارداد از آن برخوردار بود، خواننده باید مبلغ ناشی از افت قیمت فولاد را به خواهان پرداخت نماید.

بخش سوم: خواسته

لذا با عنایت به جمیع مراتب فوق در بخش ماهوی و شکلی، محکومیت خواننده به پرداخت کلیه خسارات قانونی و قراردادی وارده از جمله مابه‌التفاوت فروش جایگزین و معامله اولیه، هزینه انبارداری، هزینه دآوری و نیز حق‌الوکاله وکیل از آن هیأت محترم دآوری مورد استدعاست.

فهرست منابع

منابع فارسی:

ردیف	پدید آورنده	نام منبع
۱	آنسیترال	قانون نمونه آنسیترال راجع به داوری تجاری بین المللی، ۱۹۸۵.
۲	حسن محسنی	«بازفروش مبیع در کنوانسیون بیع بین المللی کالا ۱۹۸۰ و بررسی امکان آن در حقوق ایران». نشریه پژوهش های حقوق تطبیقی، بهار ۱۳۹۰، دوره ۱۵، شماره ۱.
۳	رحمان عمروانی	مطالعه تطبیقی پیش بینی نقض قرارداد»، مجله تحقیقات حقوقی، زمستان ۹۱، شماره ۶۰.
۴	سید مرتضی قاسم زاده	«نقش سکوت در بیان اراده». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، بهار ۱۳۸۰. شماره ۵۱.
۵	علی ماروسی	گزارش آراء دیوان داوری دعاوی ایران-ایالات متحده. جلد ۱، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات، مرکز امور حقوقی بین المللی، (۱۳۹۰)، ص ۴۱.
۶	علی ماروسی	گزارش آراء دیوان داوری دعاوی ایران-ایالات متحده. جلد ۴، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات، مرکز امور حقوقی بین المللی، (۱۳۹۲)، صص ۲۹۶-۳۴۸.
۷	علی ماروسی	گزارش آراء دیوان داوری دعاوی ایران-ایالات متحده. جلد ۹، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات، مرکز امور حقوقی بین المللی، (بهار ۱۳۹۲)، صص ۱۵۲-۱۸۸.
۸	مجلس شورای اسلامی	قانون داوری تجاری بین المللی ایران، مصوب ۱۳۷۶/۰۶/۲۶.
۹	مجلس شورای اسلامی	قانون اساسنامه مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران، مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۱۴.
۱۰	مجلس شورای اسلامی	قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی، مصوب ۱۳۷۹/۰۹/۲۱.
۱۱	مجلس شورای اسلامی	قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون نیویورک در مورد شناسائی و اجراء احکام داوری خارجی، مورخ ۱۰ ژوئن میلادی، مصوب ۱۳۸۰/۰۲/۲۹.

۱۲	مجلس شورای اسلامی	قانون مدنی، مصوب ۱۳۰۷.
۱۳	محسن محبی	قواعد و آئین داوری مرکز داوری اتاق بازرگانی صنایع و معادن و کشاورزی ایران. تهران: مرکز داوری اتاق بازرگانی صنایع و معادن و کشاورزی ایران، (۱۳۹۴).
۱۴	مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران	آئین نامه هزینه های داوری مرکز داوری اتاق بازرگانی صنایع و معادن و کشاورزی ایران.
۱۵	مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران	آئین نامه تشکیلات مرکز داوری اتاق بازرگانی صنایع و معادن و کشاورزی ایران.
۱۶	مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران	گزیده آرای داوری مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران، تهران: شهر دانش، (۱۳۹۶)، چاپ اول، ج ۳.
۱۷	منصور امینی و سعید حقانی	«سیر تکوین حق فسخ ناشی از اجرا نشدن (نقض) تعهد قراردادی در حقوق اروپایی؛ رهنمودهایی برای حقوق ایران»، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، بهار و تابستان ۱۳۹۱، دوره ۵، شماره ۱.
۱۸	ناصر کاتوزیان	الزام های خارج از قرارداد، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران، (۱۳۹۰).
۱۹	-	کنوانسیون بیع بین المللی کالا، مصوب ۱۹۸۰.

منابع انگلیسی:

	Author	Discriptions
1	-	United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods, 1980.
2	-	Kazakhstan Civil Code.
3	Dr. A. F. M Maniruzzaman	«Conflict of Law Issues in International Commercial Arbitration», London Court of International Arbitration, 1993.
4	Harvard Law Review	Silence as an acceptance in formation of contracts. Harvard Law Review. Vol. 33 No4 Feb 1920.
5	International Bar Association	IBA Guidelines on Conflicts of Interest in International Arbitration.

6	Institute for the promotion of arbitration and mediation in the Mediterranean	Report on independence and impartiality of arbitrator
7	International Chamber of Commerce	ICC 2017 Arbitration and 2014 Mediation Rules.
8	Iran-United States Claims Tribunal	IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL REPORTS, Volume 5, (Cambridge: Cambridge Grotius Publications Limited, 1985).
9	UNCITRAL	UNCITRAL Model Law on International Commercial Arbitration 1985 With amendments as adopted in 2006.

فهرست آراء دیوان های داوری:

ردیف	مرجع صادر کننده رأی	مشخصات رأی
۱	دیوان داوری دعاوی ایران-ایالات متحده	خواهان: ایکانامی فورمز کورپوریشن خوانندگان: دولت جمهوری اسلامی ایران، وزارت نیرو، شرکت سهامی ساختمان سد و تأسیسات آبیاری (سابیر)، شرکت ساختمانی مانا، سهامی خاص (مانا)، و بانک ملت (بانک تهران سابق). تاریخ رأی: ۲۳ خرداد ۱۳۶۲، برابر با ۱۳ ژوئن ۱۹۸۳. داوران: گونار لاگرگرن (رئیس شعبه یک)، هوارد ام. هولتزن، محمود م. کاشانی.
۲	دیوان داوری دعاوی ایران-ایالات متحده	خواهان ها: واتکینز - جانسون کامپنی، واتکینز - جانسون لیمیتد. خوانندگان: دولت جمهوری اسلامی ایران، بانک صادرات ایران. تاریخ رأی: ۵ مرداد ۱۳۶۸، برابر با ۲۷ ژوئیه ۱۹۸۹. داوران: کارل هاینس - بوکشتیگل (رئیس شعبه یک)، هوارد ام. هولتزن، اسد ا... نوری.
۳	ICSID	Case No. ARB/07/27 (Urbaser SA v. Argentina)

فهرست آراء صادره از دادگاه ها:

ردیف	مرجع صادر کننده رأی	مشخصات رأی
۱	United States Supreme Court	National Union First Insurance Co. Vs. Ehrlich 122 Misc 682 (N. Y. APP. DV 1924).

سایت های اینترنتی:

- http://www.uncitral.org/uncitral/en/uncitral_texts/arbitration/1985Model_arbitration_status.html